

# درک تحقیق در آموزش

راهنمای خوانش انتقادی

گری شنک، جنیس پرینگل، لانکلوت براون

ترجمه‌ی بیژن بابایی، پروانه ذوالفقاری  
علی سعیدی، فاطمه صحرایی سرمزده



نشر دوران



درک تحقیق در آموزش  
راهنمای خوانش انتقادی

سرشناسه: شنک، گری دی. (Shank, Gary D.)

عنوان و نام پدیدآور: درک تحقیق در آموزش: راهنمای خوانش انتقادی / گری شنک، جنیس پرینگل، لانکلوت براون: ترجمه‌ی بیژن بابایی... [و دیگران]: سرویراستار: غلامحسین دهقانی.

مشخصات نشر: تهران، دوران، ۱۴۰۱.

مشخصات ظاهری: ۱۴۲ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۶۶۶-۲۰-۵

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: ترجمه‌ی بیژن بابایی، پروانه ذوالفقاری، علی سعیدی، فاطمه صحرائی سرمزده

یادداشت: عنوان اصلی: Understanding Education Research : A Guide to Critical Reading, 2 ed,

2018.

موضوع: آموزش و پرورش - تحقیق - روش‌شناسی (Education - Research - Methodology)

شناسه‌ی افزوده: پرینگل، جنیس (Pringle, Janice)

شناسه‌ی افزوده: بابایی، بیژن، ۱۳۵۲-، مترجم

رده‌بندی کنگره: LB۱۰۲۸

رده‌بندی دیویی: ۳۷۰/۷۲

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۸۹۲۱۰۵۵

گری شنک

جنیس پرینگل

لانکلوت براون

# درک تحقیق در آموزش

راهنمای خوانش انتقادی

(ویراست دوم)

ترجمی

بیژن بابایی، پروانه ذوالفقاری

علی سعیدی، فاطمه صحرایی سرمزده

(اعضای هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان)



نشر دوران

The Persian translation of  
*Understanding Education Research: A Guide to Critical Reading* (2<sup>nd</sup> Edition)  
By Gary Shank, Launcelot Brown, Janice Pringle  
Routledge, New York & London, 2018  
Translated by B. Babaei, P. Zolfaghari, A. Saeidi & F. Sahraei S.  
Dowran, Didavar Book, Tehran, 2022



گری شنک، جنیس پرینگل، لانکلوت براون

درک تحقیق در آموزش: راهنمای خوانش انتقادی

ترجمه‌ی بیژن بابایی، پروانه ذوالفقاری، علی سعیدی و فاطمه صحرایی سرمزده

سروراستار: غلامحسین دهقانی

طراحی جلد: واحد گرافیک نشر دوران

چاپ نخست: تابستان ۱۴۰۱

چاپ و صحافی: دیدآور

شمارگان: ۲۲۰ نسخه

حق هر گونه چاپ و انتشار محفوظ است.

مرکز پخش



دفتر نشر: خیابان انقلاب، خیابان فخررازی، خیابان روانمهر، شماره‌ی ۸۴، ساختمان دیدآور، طبقه‌ی یکم.

ایمیل: [info@didavarbook.com](mailto:info@didavarbook.com)

فروشگاه: خیابان انقلاب، روبه‌روی دانشگاه تهران، شماره‌ی ۱۳۰۴.

تلفن: ۶۶۹۵۴۷۴۸

اینستاگرام: didavarbook

فروش آنلاین: [www.didavarbook.com](http://www.didavarbook.com)

قیمت: ۷۰۰,۰۰۰ ریال

## فهرست

۹	پیش‌گفتار مترجمان
۱۱	فصل یکم: نقش پژوهش
۱۵	فصل دوم: سواد پژوهشی و منتقد پژوهشی
۱۵	سواد پژوهش چیست؟
۱۷	منتقد پژوهشی کیست؟
۱۹	پژوهش همچون گفت‌وگو
۲۱	فصل سوم: رویکردهای اصلی در پژوهش آموزشی
۲۱	مبانی پژوهش آموزشی
۲۲	رویکرد کمی
۲۵	ماهیت آمار
۳۲	رویکرد کیفی
۳۸	رویکرد روش‌های ترکیبی
۴۱	فصل چهارم: انواع مقاله‌های پژوهشی
۴۱	انواع مقاله‌های کمی
۴۴	انواع مقاله‌های کیفی
۴۹	فصل پنجم: درک عنوان و چکیده
۴۹	عنوان
۵۳	چکیده

۵۴	کدگذاری چکیده
۵۷	فصل ششم: درک منطق و اهداف
۵۸	منطق
۵۸	انواع منطق
۶۱	هدف
۶۱	انواع هدف
۶۵	فصل هفتم: درک پرسش‌ها و بحث‌ها
۶۵	یافتن پرسش(های) پژوهش
۶۷	ماهیت بحث و استدلال
۶۸	طبقه‌بندی بحث و استدلال
۷۱	فصل هشتم: درک منابع
۷۲	تنظیم مجدد منابع
۸۱	فصل نهم: درک فرایندها و روش‌ها
۸۱	چه کسی؟
۸۴	چه چیزی؟
۸۵	چگونه؟
۹۰	نگرانی‌های راهبردی ویژه
۹۳	فصل دهم: درک نتایج و یافته‌های کمی
۹۴	ابزارهایی برای سازمان‌دهی و توصیف
۹۷	ابزارهایی برای یافتن و ارزیابی روابط
۱۰۰	ابزارهایی برای آزمایش فرضیه‌ها
۱۰۲	ابزارهایی برای ساخت و ارزیابی مدل‌ها
۱۰۴	ارائه‌ی نتایج
۱۰۹	از نتایج تک‌متغیره تا چندمتغیره
۱۱۱	فصل یازدهم: شناخت نتایج و یافته‌های کیفی
۱۱۲	جهت‌گیری‌ها

۱۱۷	راهبردها
۱۲۱	فصل دوازدهم: درک بحث و نتیجه گیری
۱۲۱	عبارات خلاصه ای
۱۲۲	عبارات توضیحی
۱۲۳	عبارات تلویحی
۱۲۴	عبارات بسطی
۱۲۵	چه دست آوردی داشته ایم؟
۱۲۷	فصل سیزدهم: مفاهیم و فنون پیشرفته
۱۲۷	پایایی
۱۲۸	روایی
۱۳۰	انواع خطا
۱۳۲	اندازه ی اثر
۱۳۵	فصل چهاردهم: مسیر پژوهش
۱۳۵	ارزیابی وضعیت موجود
۱۳۶	جامعه ی منتقدان
۱۳۷	مسیر پیش رو
۱۳۹	کتاب نامه





## پیش‌گفتار مترجمان

پژوهش بخش اساسی نظام آموزشی است. امروزه انسان‌ها بسیاری از فرایندهای اساسی مورد نیاز برای زندگی خویش را به صورت تخصصی و در مؤسسات آموزشی می‌آموزند. پژوهش‌گران حرفه‌ای دست به پژوهش می‌زنند زیرا می‌خواهند روش‌های آموزشی را بهبود بخشند، یا گاهی اوقات فقط به این دلیل که کنجکاو هستند و می‌خواهند به سؤالات اساسی که ذهن آن‌ها را به خود مشغول کرده است، پاسخ دهند، یعنی پژوهش با شرایط خاص خود مانند هر جنبه‌ی دیگری از آموزش، اساسی و ضروری محسوب می‌شود. اما پژوهش‌ها پیش‌تر در خدمت معلمان و دانش‌آموزان است. معلمان نیز به نوبه‌ی خود باید بتوانند اطلاعات دقیق و به روز را به دانش‌آموزان خود ارائه دهند. آن‌ها باید بتوانند مطالب درسی را طوری سازمان‌دهی کنند که به سرعت و به راحتی آموخته شوند. اگر پژوهش‌ها متوقف شود، معلمان به‌زودی مطالب قدیمی را تدریس می‌کنند. آن‌ها به راهبردهای یادگیری و رفتاری وابسته خواهند بود که ممکن است نتوانند به نیازهای جامعه‌ی در حال تغییر پاسخ دهند. خوانش و فهم پژوهش مستلزم تسلط بر مفاهیم مهم و زبان تخصصی آن است. زمانی که افراد قادر به خواندن و ارزیابی مقالات پژوهشی در سطوح بسیار بالا باشند، سواد پژوهشی بالاتری را خواهند داشت و به حق می‌توان آن‌ها را منتقد پژوهشی نامید.

کتابی که پیش روی شماست، تحت عنوان درک تحقیق در آموزش، با هدف کمک به دانشجویان در یادگیری خوانش نقادانه‌ی مقالات پژوهشی در حوزه‌ی آموزش نوشته شده است. این اثر که یک کتاب درسی و مقدماتی به شمار می‌رود، به دانشجویان اجازه

می‌دهد تا به راحتی مهارت‌های مورد نیاز برای سواد پژوهشی را توسعه دهند. با مطالعه‌ی این کتاب، خوانندگان درمی‌یابند که چگونه عناوین پژوهشی را دسته‌بندی کنند، چکیده‌ها را رمزگشایی کنند، سؤالات پژوهش را بیابند، استدلال‌های پژوهش را مشخص کنند، روش‌ها و فرایندها را تجزیه کنند، منابع را بکاوند، راهبردهای تحلیل را به کار برند، و یافته‌ها را تفسیر کنند. به طور کلی، یادگیری مطالب این کتاب به دانشجویان توانایی انجام‌دادن پژوهش‌های مفید و نیز استفاده و بهره‌گیری از پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه‌ی آموزش را می‌دهد.

مترجمان اثر حاضر، که اعضای هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان هستند و سال‌هاست با دانشجو معلمان رشته‌های مختلف آموزش معلم سروکار دارند، پس از بررسی آثار مختلف، این کتاب را برای آشنایی دانشجویان علوم آموزشی با فرایند پژوهش در این حوزه مفید یافتند و به ترجمه‌ی آن پرداختند. امید است این اثر بتواند باعث ارتقای سواد پژوهشی خوانندگان شود و به توسعه‌ی حرفه‌ای آنان - و به تبع آن، بالندگی نوجوانان و جوانان میهن‌مان در عصر مدرن کنونی - کمک کند.

مترجمان

بهار ۱۴۰۱

## فصل یکم

### نقش پژوهش

این کتاب درباره‌ی نقش و اهمیت پژوهش در حوزه‌ی آموزش<sup>۱</sup> است. چرا به کتابی درباره‌ی پژوهش نیاز داریم؟ پاسخ ساده است؛ می‌خواهیم نه‌تنها در مورد پژوهش به‌عنوان ابزاری برای بررسی چگونگی درک و بهبود آموزش صحبت کنیم، بلکه می‌خواهیم به‌عنوان فرایندی که برای خود آموزش، بنیادی است، سخن به میان آوریم. پیش از آن‌که در مورد این موضوع که چگونه پژوهش برای آموزش امری بنیادی است صحبت کنیم، نخست باید در مورد نحوه‌ی بنیادی بودن خود آموزش سخن بگوییم. همیشه استدلال کرده‌ایم که آموزش فرایندی اساسی برای انسان است (شنک، ۲۰۰۵)؛ یعنی آموزش به‌اندازه‌ی دیگر تجربه‌های مهم انسان، بنیادین است. ما به‌عنوان بشر، می‌خوریم، می‌خواهیم، در جست‌وجوی همراه و همدم هستیم، فرزندان خود را به دنیا می‌آوریم، آن‌ها را بزرگ می‌کنیم، به دنبال سرپناه هستیم، آموزش می‌دهیم و از هم می‌آموزیم.

پیشنهاد ما این است که سعی کنید این تجربه‌ی کوچک را امتحان کنید. به گروهی از افرادی که به‌طور غیررسمی دور هم جمع شده‌اند، نگاه کنید. هنگامی که آن‌ها با یکدیگر در عرض چند دقیقه شروع به صحبت می‌کنند، در واقع در حال آموزش و یادگیری هستند. ما این موضوع را تقریباً در هر موقعیت انسانی می‌بینیم. این موضوع بخشی از

طبیعت ما به عنوان موجود انسانی است؛ بنابراین نباید تعجب کرد که آموزش در همه‌ی جنبه‌های فرهنگ بشری وجود دارد.

بشر بسیاری از فرایندهای اساسی خود را تخصصی و نهادینه کرده است؛ برای نمونه، دیگر بشر در جست‌وجوی غذا در طبیعت نیست. بدین منظور به فروشگاه‌های غذایی، سوپرمارکت‌های تخصصی یا رستوران می‌رود. در بحث آموزش هم شرایط همین‌طور است. ما نظام‌های آموزش رسمی بسیاری ایجاد کرده‌ایم. نظام آموزش عمومی ما یکی از بزرگ‌ترین نمونه‌ها و حرفه‌ای‌ترین آن‌هاست که ما را به خود مشغول کرده است.

وقتی به فرایند تحصیل<sup>۱</sup> به عنوان یک نظام رسمی نگاه می‌کنیم، متوجه می‌شویم مؤلفه‌های بسیاری وجود دارد. در این میان، پژوهش‌گران حرفه‌ای آموزش نیز کار خود را انجام می‌دهند، آن‌ها می‌خواهند یا شیوه‌ی کار خود را بهبود بخشند یا از روی کنجکاوی به سؤالات اساسی خود پاسخ دهند؛ یعنی پژوهش در اصطلاح خاص خود، می‌تواند درست مثل هر جنبه‌ی دیگر آموزش اساسی باشد. همه‌ی ما کنجکاو هستیم و می‌خواهیم امور را بهبود بخشیم. پژوهش نیز بیش‌تر در خدمت معلمان و دانش‌آموزان است.

معلمان، به‌نوبه‌ی خود، باید بتوانند اطلاعات دقیق و به‌روز را به دانش‌آموزان ارائه دهند. آن‌ها باید بتوانند مطالب را طوری سازمان‌دهی کنند که به‌سرعت و به‌راحتی آموخته شود. آن‌ها نیازمند بررسی علت آموختن یا نیاموختن دانش‌آموزان هستند. آن‌ها باید بتوانند دانش‌آموزان خود را به‌صورت فردی و گروهی در حفظ فضای مناسب یادگیری مدیریت کنند. این فهرست از مسائل می‌تواند باز هم گسترش یابد.

هنگام مشاهده‌ی حوزه‌های مورد بحث، درمی‌یابیم همه‌ی آن‌ها در یک چیز مشترک‌اند: همه‌ی آن‌ها به تلاش‌های پژوهشی برای واقعیت‌بخشیدن به ظرفیت‌های معلمان و دانش‌آموزان وابسته‌اند؛ بدین معنا که بدون پژوهش، هیچ فرایند رسمی تحصیل در مدرسه آن‌طور که ما می‌شناسیم، وجود ندارد. اگر پژوهش متوقف شود، تدریس مباحث آموزشی معلمان به‌روز نخواهد شد. مباحث آموزشی به راهبردهای یادگیری و رفتاری وابسته خواهند بود که ممکن است نتوانند نیازهای

«جامعه‌ی همیشه در حال تغییرِ ما» را برطرف کنند. در چنین وضعیتی، حداقل رکود و در بدترین حالت یک گسست بین فرهنگ و فرایند آموزشی ما حاصل خواهد شد. به همین دلیل و به دلایل دیگر بسیاری که ما اشاره نکرده‌ایم، پژوهش قسمتی اساسی از نظام آموزشی ماست.

همان‌طور که در ادامه‌ی مباحث خواهیم دید، باید به رابطه‌ی خود با پژوهش و چگونگی تأثیر این امر بر نقش‌مان به‌عنوان یک متخصص آموزش توجه کنیم. این روند را در فصل بعدی آغاز می‌کنیم.



## فصل دوم

### سواد پژوهشی و منتقد پژوهشی

همان‌طور که پیش‌تر بحث شد، پژوهش بخشی اساسی در حرفه‌ی آموزش است. مهم نیست که شما در این زمینه چه نقشی دارید، معلم هستید یا مدیر یا پژوهش‌گر، شما باید توانایی فهرست کردن انبوهی از پژوهش‌های در حال انجام و یا انجام‌شده را داشته باشید. به بیان دیگر شما نیازمند سواد پژوهش هستید.

### سواد پژوهش چیست؟

روزگاری فقط سواد مهم بود، البته آن‌چه «سواد پایه» نامیده می‌شود. سواد پایه شامل توانایی خواندن و نوشتن است (نک. به آدلر و ون دورن<sup>۲</sup>، ۱۹۷۲؛ بلوم<sup>۳</sup>، ۲۰۰۱). در این دیدگاه، به افرادی که نمی‌توانستند بخوانند و بنویسند، بی‌سواد می‌گفتند. همان‌طور که می‌توانید تصور کنید در فرهنگ ما بی‌سواد بودن نوعی ننگ تلقی می‌شد. با این حال، در آن دوران، فرهنگ‌هایی وجود داشتند که فقط تعداد انگشت‌شماری از مردم باسواد بودند. آن فرهنگ‌ها، فرهنگ شفاهی<sup>۴</sup> نامیده می‌شدند. افراد در این فرهنگ‌های شفاهی، کندذهن و ناتوان ذهنی نبودند. در واقع آن‌ها در فرهنگی زندگی می‌کردند که

1 research literacy

2 Adler & Van Doren

3 Bloom

4 Oral culture



برایشان خواندن و نوشتن هنجار نبود و بنابراین سواد پایه در آن فرهنگ‌ها برای موفقیت ضرورتی نداشت (اونگ، ۲۰۰۲).

امروزه، تقریباً هیچ فرهنگ کاملاً شفاهی، حداقل در چارچوب سواد ابتدایی (سواد پایه‌ی خواندن و نوشتن) می‌نامیم، وجود ندارد. برای اکثر ما خواندن و نوشتن مهارت‌های ضروری در پیش‌تر سطوح زندگی است. با این حال اشکال دیگری از سواد وجود دارد؛ برخی اشکال تخصصی‌تر مانند سواد ریاضی، سواد علمی، سواد هنری، سواد ورزشی، سواد فیلم، سواد فرهنگی و نظایر آن. همه‌ی این «سوادهای تخصصی» مجموعه مفاهیم مهم خود را به کار می‌گیرند و اغلب زبان تخصصی خود را دارند. در نتیجه، اکثر ما در هنر یا ورزش یا فیلم یا مطالعات فرهنگی آن‌ها قدرها با سواد نیستیم. ما می‌توانیم به این حوزه‌های سوادی ارجح نهمیم و بیش‌تر از مراحل مقدماتی آن‌ها بهره‌بریم. ما این را به متخصصان یا منتقدان در آن حوزه‌ها واگذار می‌کنیم تا ما را راهنمایی کنند و به ما کمک کنند تا در مورد این که چه چیزی برای ما ارزشمند است و چه چیزی بی‌اهمیت است، قضاوت کنیم.

زمانی در زمینه‌ی آموزش حرفه‌ای، دنبال کردن توصیه‌های پژوهش‌گران کفایت می‌کرد و به عبارتی نگران درک پیچیدگی‌های فنی پژوهش نبودیم. به زبان دیگر به هیچ‌وجه لازم نبود که ما سواد پژوهشی داشته باشیم اما آن زمان گذشته است. ما اکنون در عصری زندگی می‌کنیم که همه‌ی افراد، از معلمان گرفته تا مدیران و متخصصان پژوهش در حوزه‌ی آموزش، نیازمند ایجاد یک تصویر کامل و جامع از نحوه‌ی کارکردهای پژوهش هستند. ما این را سواد پژوهش می‌نامیم. برای داشتن سواد پژوهش، فرد باید موارد زیر را بداند:

\* اصول پایه‌ی پژوهش کمی و کیفی در آموزش

\* نحوه‌ی گردآوری مقالات پژوهشی

\* نحوه‌ی خواندن مقالات پژوهشی در سطوح بالاتر و پیچیده‌تر

\* نحوه‌ی ارزیابی کیفیت پژوهش

وقتی افراد، قادر به خواندن و ارزیابی مقالات پژوهشی در سطوح بالا باشند، آن‌ها از

سواد پژوهشی بالاتری برخوردارند. به حق می‌توان آن‌ها را منتقد پژوهش نامید. یکی از اهداف اصلی این کتاب کمک به قرار دادن شما در مسیر سواد پژوهش و البته قرار دادن در مسیری است که خودتان منتقد پژوهش شوید. برای انجام این کار، ما نیازمند درک روشنی از این‌که واقعاً منتقد پژوهش چه کسی است، هستیم.

### منتقد پژوهشی کیست؟

اگر ما حوزه‌ی آموزش را به‌عنوان یک اجتماع فرض کنیم که افراد در آن کارهای مختلفی انجام می‌دهند، می‌توان چهار نقش پایه در این اجتماع بزرگ شناسایی کرد. بهترین شیوه این است که تصور کنیم این نقش‌ها در یک طیف قرار دارند.

در انتهای یک سر طیف، افرادی در این مجموعه فرهنگی حضور دارند که هیچ نقش مستقیمی در اجتماع آموزشی ندارند. آن‌ها در مدرسه حضور ندارند و فرزندان نیز برای تحصیل در مدارس ندارند. می‌توانیم این افراد را شاهدان سرمایه‌گذار<sup>۲</sup> بنامیم. با این حال، شاهدان سرمایه‌گذار در مورد آموزش بی‌طرف نیستند. حتی اگر آن‌ها (یا عضوی از خانواده‌ی آن‌ها) به خودی خود تحت آموزش قرار نگیرند، آن‌ها بر قوت و ضعف فرایند آموزش تأثیر می‌گذارند. علاوه بر این، عمدتاً اکثر آن‌ها از طریق پرداخت مالیات در کل جریان آموزش فرزندان مان تأثیر می‌گذارند. برای نمونه، هر چه نظام آموزشی یک جامعه بهتر باشد، میزان جرم و جنایت کم‌تر است و به احتمال زیاد برخی از این شاهدان سرمایه‌گذار قادر به یافتن کارگران ماهرتر و ارائه‌دهندگان خدمات پیش‌تری هستند. شاهدان سرمایه‌گذار تمایل زیادی به مراقبت از کیفیت آموزش دارند. این دغدغه، تقریباً همیشه از نظر نتایج وجود دارد؛ یعنی چه قدر نظام آموزشی نیازهای اجتماعی و فرهنگی اجتماع را برآورده می‌سازند؟ شاهدان سرمایه‌گذار ممکن است درک خود از تحقیقات آموزشی و یافته‌های آن را تا حدی اصلاح کنند، اغلب، آن‌ها راضی هستند که جزئیات را به دیگران بپردازند (تا زمانی که نظام آموزشی نتایج مطلوب خود را تولید کند).

در انتهای دیگر طیف، افرادی هستند که بیش‌ترین فعالیت را در تدوین، ایجاد، انتشار و نتایج پروژه‌های پژوهش آموزشی دارند. این افراد پژوهش‌گران هستند. پژوهش‌گران

بیشترین بهره را از درک مستقیم، جامع و بهروز پژوهش آموزشی و بهطور کلی پژوهش می‌برند؛ یعنی آن‌ها باید بدانند که نوع پژوهش انجام شده و روند آن از گذشته تا حال و برقراری ارتباط یافته‌های پژوهش با دیگران چگونه بوده است. از این نظر، پژوهش‌گرشدن اغلب نیازمند سال‌ها آموزش تخصصی و تجربه‌ی پژوهش واقعی و عمیق است.

با یک فاصله از دو سر طیف یعنی شاهدان سرمایه‌گذار و پژوهش‌گران، مصرف‌کنندگان آموزش هستند (می‌توانیم آن‌ها را مصرف‌کنندگان آموزش خطاب کنیم)؛ این‌ها کسانی هستند که از نظام آموزشی استفاده می‌کنند. این گروه اغلب در روند کار سهیم هستند و از سطح تجربه‌ی بسیار کم‌تری از پژوهش‌گران واقعی برخوردارند و بیش‌تر اوقات از دانش‌آموزان و والدین آن‌ها (به‌جز فراگیران بزرگسال) تشکیل می‌شوند. این گروه دغدغه‌ی بیش‌تری از عملکرد مناسب نظام‌های آموزشی دارند تا چگونگی طراحی، تغییر و مطالعه‌ی نظام‌های آموزشی. تنها زمانی که تحقیقات آموزشی فی‌نفسه برای آن‌ها اهمیت دارد، معمولاً در شرایطی است که پژوهش (اغلب جدید و بحث‌برانگیز) نقش مستقیمی در آموزش روزانه ایفا می‌کند. البته به‌عنوان مصرف‌کنندگان نظام آموزشی، آن‌ها وامدار وعده‌ها و تعهدات نظام آموزشی هستند و حق برخورداری از دوره‌های آموزشی در نظام‌های آموزشی مسنول را دارند؛ بنابراین، مصرف‌کنندگان معمولاً به‌میزانی به فرایند پژوهش علاقه دارند که تحقیقات، عملیات یا پاسخ‌گویی آموزش را بهبود بخشد.

پیش از این که بحث مصرف‌کنندگان آموزشی را به انتها برسانیم، ذکر این نکته لازم است که برخی از پژوهش‌گران آموزشی؛ معلمان و مدیران را به‌عنوان مصرف‌کنندگان پژوهش آموزشی معرفی می‌کنند (برای نمونه، هیتلمن و سایمون<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵؛ مک‌میلان<sup>۳</sup>، ۲۰۱۱). ما این تعبیر را به‌طور شفاف رد می‌کنیم. برداشت ما از تعبیر «مصرف‌کننده» به معنای مصرف‌کننده‌ی منفعل است و به نظر ما هیچ انفعالی در متخصصان آموزشی برای بهبود درک خود یا مشارکت آن‌ها در روند آموزشی وجود ندارد. آن‌ها نه‌تنها فعالانه در صدد جست‌وجوی آگاهی هستند بلکه هم‌چنین در درک نتایج پژوهش‌هایی که

مطالعه می‌کنند، درگیر می‌شوند؛ به عبارت دیگر، بیش‌تر متخصصان آموزشی، خود را بین مصرف‌کنندگان پژوهش و پژوهش‌گران می‌بینند.

ما می‌توانیم آن دسته از افرادی را که مهارت‌ها و دانششان از مصرف‌کنندگان پژوهش فراتر است اما خود را جزء پژوهش‌گران فعال نمی‌دانند، منتقدان پژوهش بنامیم. منتقدان پژوهش به‌طور فعال در جست‌وجوی اموری ورای پژوهش هستند؛ بنابراین به‌طور انتقادی درگیر یافته‌های پژوهش‌اند.

### پژوهش همچون گفت‌وگو<sup>۱</sup>

آخرین ویژگی منتقدان این است که آن‌ها با پژوهشی که می‌خوانند گفت‌وگو می‌کنند. آن‌ها نه فقط به خاطر منتقدبودن‌شان لقب منتقد گرفته‌اند، بلکه به‌خاطر سبک مفید و مهمی که ایجاد می‌کنند، شایسته چنین ویژگی هستند.

هم‌زمان، گفت‌وگوی مهم دیگری نیز در حال انجام است. گفت‌وگویی گسترده بین جامعه‌ی پژوهش، منتقدان پژوهش و مقاله‌ی پژوهشی. هیچ پژوهشی در خلأ انجام نمی‌شود. هر مقاله‌ی پژوهشی بخشی از یک بافت بزرگ‌تر از اموری است که توسط جامعه‌ی پژوهشی بزرگ‌تری مورد بررسی و بحث قرار گرفته است. فرد به‌عنوان یک منتقد پژوهش، نه تنها باید در مورد آن‌چه در یک مقاله بیان می‌شود هوشیار باشد، بلکه باید به هر آن‌چه نیز که در گفت‌وگوی جامعه‌ی بزرگ پژوهش می‌گذرد آگاه باشد. در هر درجه‌ای که ضرورت دارد، منتقدان پژوهش باید به‌نوعی، آگاهی محیطی از آرای جوامع پژوهشی داشته باشند. همه‌ی ما باید بدانیم که یک مقاله‌ی معین چه چیزی را بیان می‌کند؟ چرا آن را بیان می‌دارد؟ چگونه آن را به جامعه‌ی پژوهشی بزرگ‌تر ارتباط می‌دهد؟

هدف این کتاب آن است که به شما کمک کند در مسیری اصلی جهت نقد پژوهش مستقل در حوزه‌ی آموزش و پرورش قرار گیرید. موارد زیر برنامه‌ی عملیاتی ماست:

\* در فصل سوم، سطوح پایه‌ی ادراکی، که همه‌ی منتقدان پژوهش نیازمند رشد و بهبود آن هستند، بررسی می‌شود. این درک و فهم به خودی خود به ماهیت

پژوهش آموزشی و به همان نسبت درک رویکرد کمی پژوهش، استفاده از آمار به عنوان یک دیدگاه و یک ابزار، رویکرد کیفی پژوهش و در نهایت به چگونگی توسعه و کاربرد رویکردهای روش های ترکیبی مرتبط است.

\* در فصل چهارم به این موضوع که چرا مقالات پایه های سواد پژوهش هستند، می پردازیم. سپس به مقایسه و بررسی مقالات کمی و کیفی خواهیم پرداخت.

\* در فصول پنجم تا دوازدهم ما به طور دقیق و نظام مند هر یک از جنبه های کلیدی ساختار مقالات پژوهشی را از عنوان گرفته تا بحث و نتیجه گیری، بررسی می کنیم. بدین طریق، ما آگاهی انتقادیمان را از هدف و نقش هر کدام از این اجزا و چگونگی تمایز مقالات کمی از کیفی بهبود می بخشیم.

\* در فصل سیزدهم ما مفاهیمی که در آن نیاز به تجربه ی بیش تری است و هم چنین دستورالعمل هایی که می تواند به تخصص در حال رشدمان کمک کند، دنبال می کنیم.

\* در فصل چهاردهم، با نگاه کردن به آینده و تصویری بزرگ تر نتیجه گیری می کنیم.

اگرچه ممکن است برخی از این مطالب برای شما چالش برانگیز باشد، اما ما گمان می کنیم که اکثر مطالب کاملاً آشنا و ساده باشند. ما جانب احتیاط را رعایت کرده ایم، سعی کرده ایم اطمینان حاصل کنیم که تا حد ممکن به طور شفاف به پیشرفت یکدیگر کمک کنیم. می دانیم که شما بسیار باهوش هستید و این که شما چیزهای زیادی درباره ی آموزش و حتا پژوهش آموزشی می دانید اما همه نیازمند پرکردن خلأ و شکاف دانش و درک آن هستیم.

از شما دعوت می کنیم در فرایند هیجان انگیز توسعه ی مهارت های خود به سمت تبدیل شدن به یک منتقد پژوهشی حرکت کنید.